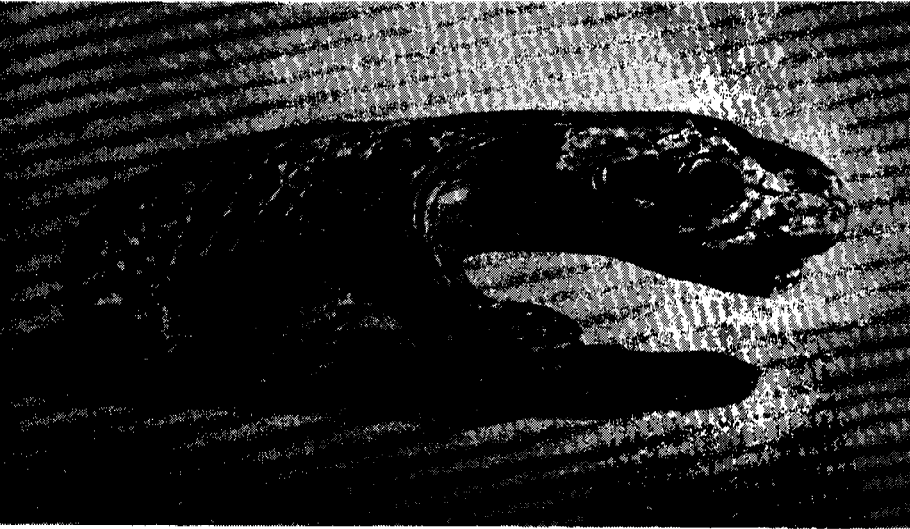


۱- قطعه عاجی است که در شمال آلاسکا پیدا شده و امروز در موزه تاریخ طبیعی شهر نیویورک است. شباهت این نقش بانقوش سکاکی فوق العاده زیاد است و معلوم نیست آیا رابطه‌ای بین آلاسکا و نواحی شرقی سیبری در ایام قدیم وجود داشته یا این شباهت اتفاقی است.



همکاری نبرسکاکی

با نبردورانهای مختلف شاهنشاهی ایران

دکتر عیسی بهنام
استاد دانشکده ادبیات

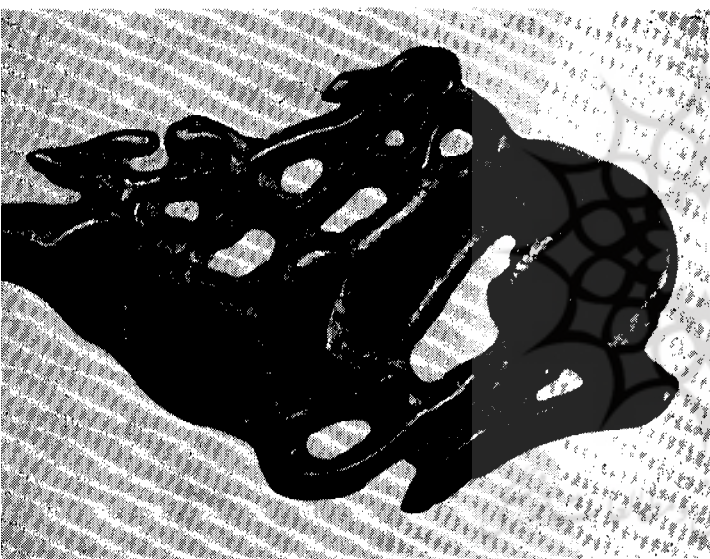
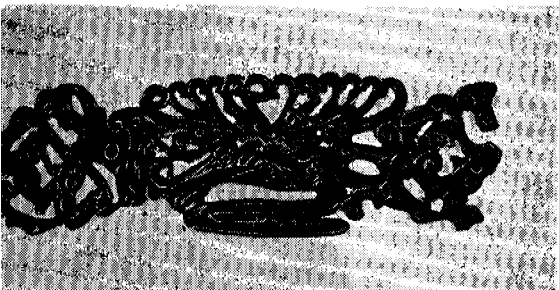
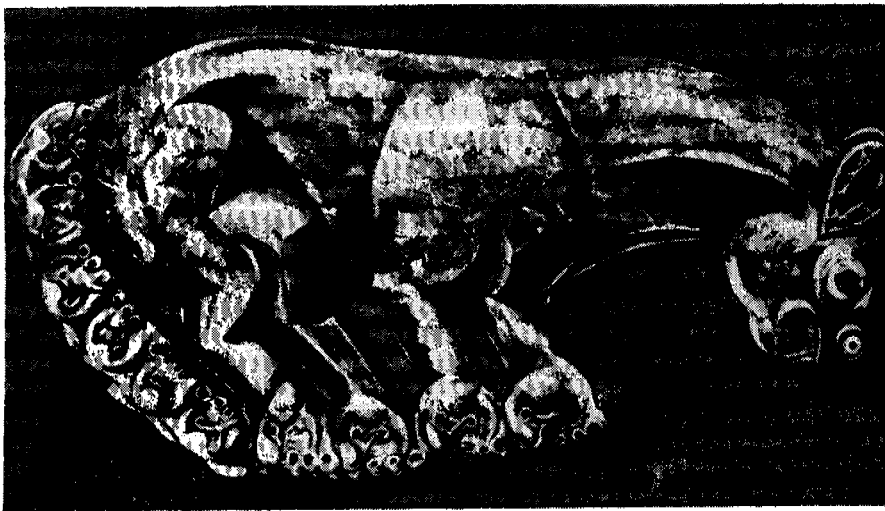
ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

داشت و اشکال غریب و عجیبی روی آن بصورت نقش برجسته مجسم گردیده بود.

می گفتند این شیئی زرین در یکی از قبرهای ناحیه سیبری به صورت تومولوس ساخته شده بود پیدا شده است (تومولوس به گورهای قدیمی ناحیه سیبری و اطراف دریای سیاه و قفقاز اطلاق میشود که روی آن مقدار زیادی خاک ریخته شده، بطوری که به صورت تپه کوچک با برآمدگی مختصری از زمین درآمده است).

و نیز میگفتند که چند سال است بعضی از جویندگان گنج در آن نواحی مشغول کردن این تومولوسها هستند و چون

روز ۲۹ اکتبر ۱۷۱۵ در پایتخت جدید التاسیس امپراطوری روسیه غوغائی برپا بود. ملکه کاترین همسر پتر کبیر پسر بدنیآ آورده بود و دهقانان امپراطوری از نقاط دور و نزدیک برای عرض تبریک و تقدیم هدایا به پایتخت روی آورده بودند. در میان هدایای اتباع امپراطور شخصی به نام «نیکیتا دمیدو» پسری از بندگان (در آن روزها رعایا خود را بندگان امپراطور میدانستند و با آنها مانند بندگان رفتار میشد) که در ابتدا شغل آهنگری داشت و بعداً به استخراج معادن اورال پرداخته و ثروت فوق العاده پیدا کرده بود، قطعه طلای نابی تقدیم کرد که فقط طلای خالص آن یکصد هزار روبل قیمت



این تومولوس‌ها مورد احترام مردم است این عمل باعث نگرانی فوق‌العاده اهالی گشته است .

اشیائی که از این تومولوس‌ها بدست می‌آید شکل حیوانات غریب و عجیبی را نشان میداد که به طرز مخصوصی بهم پیچیده‌اند و از نظر هنری ترکیبات بسیار زیبایی را در معرض دید قرار میدهند .

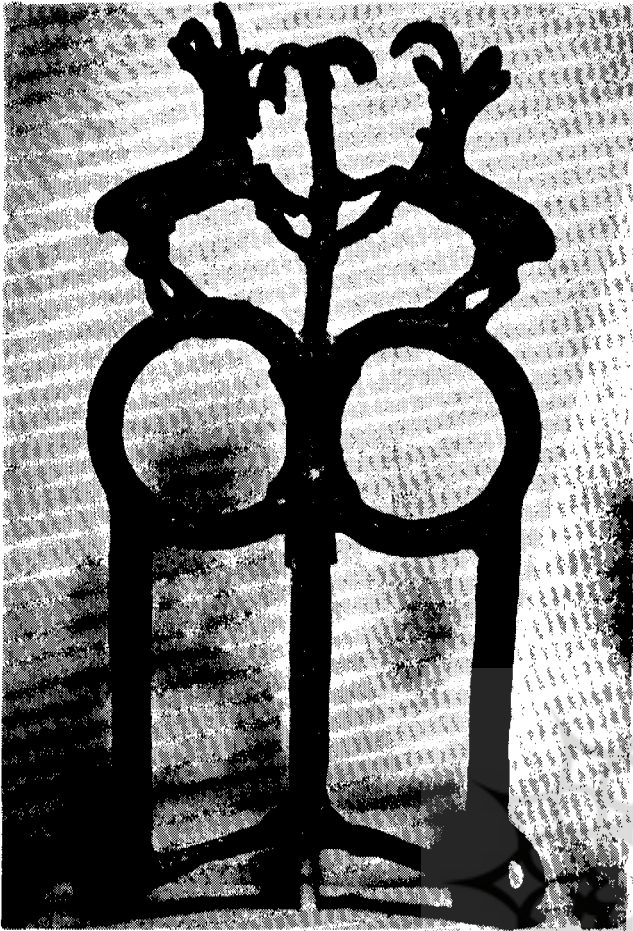
پترکیبب علاقه زیاد به جمع‌آوری اشیاء هنری داشت و از این هدیه منحصر به فرد بسیار خوشحال شد و دستور داد آنرا درالکل حفظ کنند (در آن موقع این کار در مورد همه اشیاء رواج داشت) و به آکادمی علوم که جدیداً تأسیس کرده بود بفرستند .

سپس دستور اکید صادر کرد که از کاوش‌های غیرمجاز ممانعت به عمل آورده شود و اشیائی از این قبیل را در هر نقطه

۳- این پیکره حیوان از طلای ناب است و شاید بیری را نشان میدهد که در کورگان کلمس در قفقاز پیدا شده . دانشمندان باستان‌شناسی آنرا از قرن هشتم پیش از میلاد دانسته‌اند و در چشم و گوش و بینی آن سنگ‌های رنگین نشانده شده است و این از خصوصیات هنر هخامنشی نیز هست .

۴- قلابی از برنز مربوط به زینت آلات زین و برگ اسب که در ناحیه کوبان (قفقاز) پیدا شده و امروز در موزه ارمنستان در لنینگراد است . دانشمندان باستان‌شناس آنرا به قرن ۴ پیش از میلاد نسبت داده‌اند شکل‌های تجریدی به تمام معنی در این قلاب کمر دیده میشوند و نقوش زیبای آن حاکی از قریحه هنری ساکنان قفقاز در قرن چهارم پیش از میلاد میباشد .

۵- این پیکره از برنز که غزالی را نشان میدهد به سبک سکائی پاهای خود را زیر شکمش جمع کرده و بهر حال بصورتی کاملاً تصنعی درآمده است . از قرن پنجم پ . م . است و در ناحیه « پونت » بین دریای سیاه و مدیترانه پیدا شده و امروز در موزه هامبورگ حفظ میشود . تمام خصوصیات هنر سکائی در این نقش دیده میشود .



۶ ۵

۵- گوزنی است که در چوب تراشیده شده و درموزه ارمیناژ در لنینگراد است. معلوم نیست به چه کار میخورده تاجی بوده یا قسمت جلوی گردونه‌ای را زینت میکرده است. بهر حال جمع شدن پاهای حیوان در روی تکمه ناج و شاخ بلند آن و سبک تراش پیکره از خصوصیات هنر سکائی است و نظایر آن نیز در کورگان پازیریک در سبیریه بدست آمده است.

۶- این شیئی برنزی که در بالای آن دو گوزن نشان داده شده روی گردونه نصب میشده و افسار اسبهای گردونه از میان دو حلقه آن رد میشده است. باینکه در ناحیه ایلام پیدا شده ولی دارنده تمام خصوصیات هنر سکائی است. دانشمندان باستان‌شناس آن را به قرن ۱۲ تا ۱۱ پیش از میلاد نسبت داده‌اند و امروز در بریتیش موزیوم میباید.

یک باره با اسب‌هایشان مانند سیلی به شهرهای آباد سر راهشان سرازیر میشدند و گله‌های گوسفند دهقانان و آذوقه‌های انبار شده آنان را با آنچه از اشیاء قیمتی که به دستشان می‌آمد به غنیمت میبردند، ولی هیچوقت حاضر نمی‌شدند حتی برای مدت کمی زیربامی منزل کنند و تمام زندگی آنها روی اسب میگذشت. ایامی که از چپاول فارغ بودند به بافتن قالی‌های خوب در کنار سیاه چادرهایشان مشغول میشدند و زرگرهای قابلی در میان آنان وجود داشت که با فلزهای مختلف و خصوصاً با طلا زینت‌های جالبی برای تزئین زن‌ها و اسب‌ها و داخل سیاه چادرهایشان بوجود می‌آوردند.

گاهی سکائی‌ها یا سک‌ها برای جنگ، و فقط برای

از کشور که بدست آید به شخص امپراطور ارسال دارند. در نتیجه این دستورات پس از اندک زمانی تعداد زیادی اشیاء نظیر قطعه طلای نامبرده در بالا به دربار قیصر فرستاده شد و امروز همه ما خوشوقتیم که میتوانیم درموزه ارمیناژ در لنینگراد مجموعه کاملی از اشیاء هنری سکائی را که بیشتر آن از طلای ناب است و پرازشترین مجموعه جهان به شمار میرود مورد مطالعه قرار دهیم.

سکائی‌ها یا سک‌ها چه کسانی بودند؟

اینان مردم چادر نشین و صحراگردی بودند که در سواری و جنگ‌های سواره و تیراندازی مهارت فوق العاده داشتند و به همین سبب مورد وحشت فوق العاده خانه نشینان شده بودند.

جنگ ، در خدمت بعضی دولت‌ها برای سرکوب کردن دشمنانشان در می‌آمدند . مثلاً با آشوری‌ها اتفاق می‌کردند تا اتحادیه مادها را سرکوبی کنند و کمی بعد به اقتضای زمان با مادها متحد می‌گردیدند و آشوری‌ها را از پای در می‌آوردند .

مسکن آنان از شرقی‌ترین نواحی سبیره تا یونان ، و در نواحی شمال دریای سیاه ، و کوبان ، و قفقاز بود و در این محور شرقی غربی دائماً در حرکت بودند و تغییر مکان آنان باعث بهم خوردن امپراطوری‌ها یا بوجود آمدن کشورهای جدید می‌گردید . ولی خود آنان هیچ وقت داخل در چهارچوبی قرار نمی‌گرفتند .

سکائی‌ها با کوروش بزرگ اتحادی داشتند و در نتیجه خدماتی که به او کرده بودند کوروش ناحیه جنوب شرقی فلات ایران را برای سکونت در اختیار آنان گذاشته بود و آن ناحیه به همین سبب سکستان نامیده شد که بعدها به سیستان مبدل گردید .

در ناحیه «سنگ‌سر» امروزی مردمی مسکن دارند که خصوصیاتشان با خصوصیات همسایگان‌شان اختلاف زیاد دارد و در اسب سواری مهارت زیاد دارند و زبان‌شان نیز اختلافی با

زبان مردم مجاور دارد . بنا بر گفته آقای دکتر صفا در دوران اسلامی اعراب آن محل را «رأس‌الکلب» می‌خواندند و این نشان می‌دهد که «سنگ‌سر» در ابتدا «سک‌سر» یعنی شهر سکائی‌ها بوده است . و چون مردم از کلمه سک خوششان نیامده آنرا به سنگ مبدل کرده‌اند .

سکائی‌ها در ایجاد هنر هخامنشی بی‌تاثیر نبودند و بسیاری از اصول سنگ‌تراشی و جواهرسازی هخامنشی‌ها شباهت زیاد با هنر سکائی‌ها دارد . بعضی از دانشمندان گفته‌اند علت این شباهت این است که سکائی‌ها از هنر هخامنشی اقتباس کرده‌اند . این فرض غیر ممکن نیست زیرا سکائی‌ها وقتی از ناحیه‌ای عبور می‌کردند یا با آن همسایه می‌شدند از هنرشان اقتباس می‌نمودند و گاهی هنر آنان را تحت تأثیر قرار می‌دادند و بنابراین وسیله انتقال اصول هنری از نقطه‌ای به نقطه دیگر میشدند .

این اصول عبارت بود از آنچه که ما امروز در هنر جدید برای تعریفش کلمه «تجربیدی» یا «انتزاعی» یا «آبستره» را پیشنهاد کرده‌ایم .

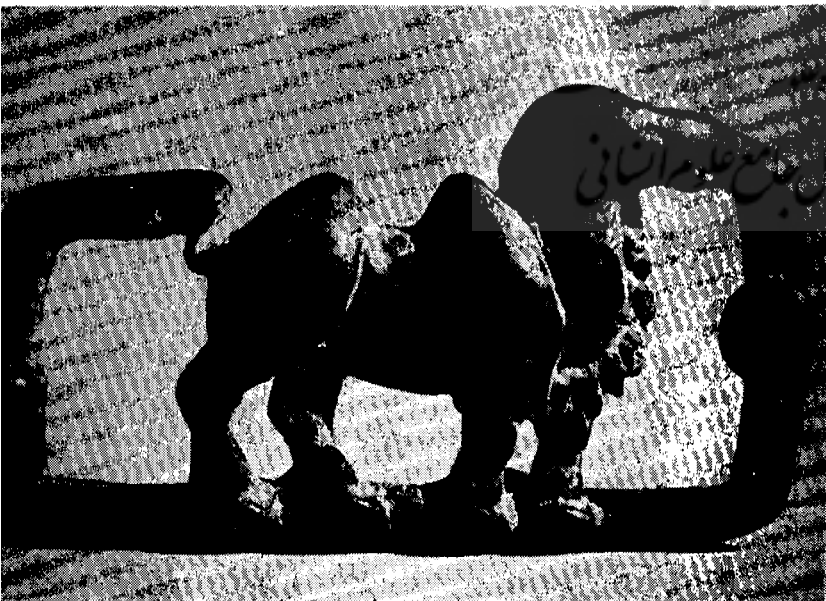
مقصود این است که از طبیعت تقلید می‌کردند ولی موجودات طبیعت را به میل خودشان و بنا بر طرز فکرشان بصورت

۷- طرف گلی بصورت حیوانی (گاو نر؟) کاملاً مصنوعی که در املش پیداشده (احتمالاً در مارلیک پیداشده ولی در املش فروخته شده است) و امروز در مجموعه نرلی هرمانک در امریکاست . دانشمندان باستان‌شان آنرا از حدود ۱۰۰۰ پیش از میلاد دانسته‌اند و سبک تصنی این بیکره بی‌شباهت به کارهای هنری سکائی نیست .

۸- این شتر را در نمایشگاه هفت‌هزار سال هنر ایران در پاریس به‌عنوان برتری از لرستان معرفی کردند . به‌رحال سبک نشان‌دادن حیوان بصورت تصنی در این شیئی کاملاً سکائی است و بعضی دانشمندان آنرا از سرمت‌ها دانسته‌اند .

شکل ۸

شکل ۷





۹- سر عصا - از کورگانی در ناحیه کویان (قفقاز) بدست آمده - ۵۰۰ پیش از میلاد - و از برنز است - درموزه ارمنستان در لنینگراد حفظ میشود . در این پیکره پرنده و گوزن وجود و چیزهای دیگر بطور مرموزی پنهان است . و این نیز از خصوصیات هنر سکائی است .

شکل ۹

شود و بصورت تخیلی درآید .

این احتمالاً نتیجه تخیلات آنها بود . مردمی که دائماً در صحرا و بیابان خانه به دوش میگردند و به موجودات خارق العاده و مافوق بشر اعتقاد دارند با نظر مخصوصی به اشیاء موجود در طبیعت می نگرند . برای آنان موجودات طبیعی صورت مرموزی به خود میگیرد و این نظر بخصوص است که توجه آنان را به خود جلب میکند و به حیوانات اساطیری یا افسانه‌ای خود شکل‌های خیالی مخصوصی میدهند که ممکن نیست در طبیعت موجود باشد . گاهی موجودی را با سر شیر و دم عقرب و سم اسب و بال عقاب روی اشیاء زینتی خود نقش می نمایند و اینجاست که هنرشان مثلاً شباهت به هنر سرستون‌های تخت جمشید پیدا میکند . یا مثلاً در ضمن اشیائی که در تومولوس‌های سیبری کشف میگردد نقوشی شبیه به شیری که به گاوی حمله کرده و در تخت جمشید بارها نقش شده است پیدا میشود .

اصول هنر سکائی در دوران‌های مختلف در کشور ما بر هنر حکمفرما بوده و در قالی‌ها و بافتنی‌های دیگر و نقوش کاخ‌ها و جعبه‌ها به کار برده شده است و در حال حاضر نیز هنر جدید روی همین پایه و اساس تغییر شکل دادن موجودات طبیعی برقرار است . بنابراین موضوع مطالعه هنر سکائی‌ها برای ما بسیار جالب است و انشاء الله در شماره آینده راجع به این مطلب صحبت خواهیم کرد .

تخیلات غریب و عجیب درمی آوردند .

تبدیل موجودات طبیعت به شکل‌های مصنوعی در لرستان نیز در هزاره دوم پیش از میلاد بسیار معمول بود و معلوم نیست ارتباط هنر لرستان با هنر سکائی از چه راهی انجام گرفته یا لااقل میتوان فرض کرد چون زندگی چادرنشینان دره‌های زاگرس به زندگی سکائی‌ها شباهت داشت این طرز فکر در آنها نیز پیدا شد .

میگویند سقز نیز محل سکونت سکائی‌ها بوده است و نام کنونی سقز مشتق از کلمه سک است .

چون هنر سکائی در هنر ایران در ادوار مختلف و خصوصاً در دوران هخامنشی تأثیر فراوان داشته ، یا اگر عکس این فرض را بپذیریم باید بگوییم هنر ایران هخامنشی در هنر سکائی مؤثر بوده ، و بهر حال همکاری نزدیکی بین این دو هنر وجود داشته است ، بنابراین مطالعه هنر سکائی برای ما ارزش فوق العاده دارد ، و بهمین مناسبت ما در این مقاله عکس‌هایی چند از بعضی اشیاء مکشوف مربوط به آن هنر را ارائه میدهم ولی تعداد اشیاء قابل ملاحظه از سکائی‌ها بسیار است و در صورتی که مطالعه این هنر مورد توجه خوانندگان این مجله باشد در مقالات دیگر هنر سکائی را از جهات دیگر مطالعه خواهیم نمود . مطلب مهم برای سکائی‌ها این بوده است که نقوشی که به صورت برجسته یا کنده شده ، و یا روی قالی‌ها و گلیم‌ها و نمدهایشان بوجود می آوردند ، از صورت طبیعی خود خارج